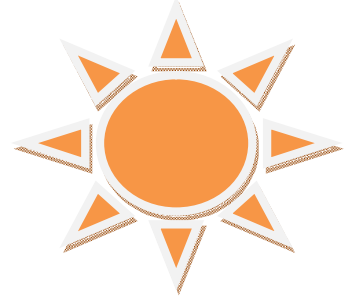
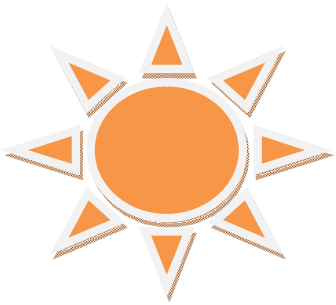




بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



فضائل حضرت علی علیه السلام در خطبه غدیر

نویسنده، گرد آورنده و تنظیم :

مأئده تازه کام (مدیر وبلاگ جملات ناب <http://jomalatnab.kowsarblog.ir>)

پاییز ۱۳۹۵

فهرست

۴	 مقدمه
۵	 فضیلت اول : برپا داشتن نماز
۷	 فضیلت دوم : در حال رکوع زکات (انفاق) می پردازند
۹	 فضیلت سوم : خدا خواه بودن
۱۱	 فضیلت چهارم : پیشوای روشنگر
۱۲	 فضیلت پنجم : اطاعت و فرمانبرداری
۱۴	 فضیلت ششم : محبوب خدا
۱۵	 فضیلت هفتم : محبوب پیامبر
۱۶	 فضیلت هشتم : نزول سوره هل اتی
۱۷	 فضیلت نهم : شکیبایی و سپاسگزاری
۱۸	 فضیلت دهم : راه مستقیم
۱۹	 فضیلت یازدهم : امیر المؤمنین
۲۰	 نتیجه گیری
۲۱	 عکس

با سلام و درود خدمت گرامیان در این مقاله سعی شده که فضائل امام علی (ع) در خطبه غدیر بیان شود.

امام صادق(ع) فرمود: روز غدیر خم عید بزرگ خداست، خدا پیامبری مبعوث نکرده، مگر اینکه این روز را عید گرفته و عظمت آن را شناخته و نام این روز در آسمان، روز عهد و پیمان و در زمین، روز پیمان محکم و حضور همگانی است.

حادثه ی غدیر را می توان از زوایای گوناگون تحلیل و بررسی کرد. خداوند برای هدایت بشر و دست یابی او به کمال حقیقی و تقرب الهی، علاوه بر پیامبر درون، یعنی عقل، پیامبران برونی نیز فرستاد تا بشر به بیراهه نرود و راه را بیابد. پیامبران برای استمرار رسالت خود جانشینانی برای خود به دستور خداوند معین می کردند و پیامبر ما نیز از این قاعده مستثنی نبود و برای تکمیل دین و تتمیم نعمت، اوصیای خویش را معین ساخت.

آن چه یقینی است و در تاریخ ثبت شده این است که پیامبر اسلام (ص) از همان آغاز رسالت تا پایان عمر خود، بدین موضوع توجه داشته و به قول اندیشمند مسیحی، جناب جرج جرداق، پیامبر اکرم (ص) تمام زمینه ها را برای خلافت بعد از خود برای علی (ع) فراهم ساخت و در گفتارها و رفتارها نشان داد.

امام علی (ع) نمونه کامل یک اسوه و الگو می باشد و همچنین همتای قرآن دلیل آن حدیث ثقلین می باشد آنجا که پیامبر گرامی اسلام می فرماید: من در میان شما دو چیز گرانبها باقی می گذارم یکی قرآن کتاب خدا است و دیگری عترت من و اهل بیت من. اگر کسی به آن دو تمسک کند هرگز گمراه نخواهد شد و این دو از هم جدا نخواهند شد تا در حوض کوثر بر من (پیامبر) وارد شوند.

پیامبر در بیان اوصاف و فضیلت این امام عزیز به حدیث ثقلین اکتفا نکردند و در خطبه غدیر نیز به بیان اوصاف امام علی (ع) پرداختند.

در مطالب بعدی ۱۱ عدد از فضائل این امام بزرگوار در خطبه غدیر بیان میشود.

نکته (در این مقاله ابتدا فضائل از متن پیدا شده و بعد مورد بررسی قرار گرفته است به کتاب های مختلف رجوع شده و مطالب گرد آوری، مرتب و تنظیم شده است و حتی بخشی از این مقاله نیز توسط این جانب تایپ شده است، تمام تلاش صورت گرفته که از منابع اینترنتی استفاده نشود و بخش اعظمی از مطالب در کتاب ها دیده شده است، تصویر هایی که در ابتدای متن ها میبینید نیز کاری از بنده است؛ امیدوارم این مقاله مورد رضایت شما عزیزان قرار گیرد از نظر دهی شما نیز خوشحال میشویم تا در مقالات بعدی این نظرها مورد توجه قرار گیرد و همچنین در آخر فایل داندلود کامل pdf این مقاله برای راحتی شما توسط بنده قرار داده شده است یا علی .)

فضیلت اول : برپا داشتن نماز

خداوند متعال در قرآن می فرماید : أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ.^۱

نماز را به جای آور که نماز انسان را از هر کار زشتی باز می دارد.

واجبات اسلام همه در یک سطح نیستند و از لحاظ اهمیت، با هم تفاوت دارند. بعضی از آنها در مرتبه‌ای بالاتر و مهم‌تر از بقیه تکالیف هستند و با ترک آنها، سایر اعمال نیز تباه شده، اثر خویش را از دست می‌دهند و یا کم اثر می‌گردند.

یکی از وظایف مهم، نماز است که حکم ستون و پایه دین را دارد و مصلحت آن، از هر فریضه‌ای بیشتر است.

نماز، سبب نزدیکی به خداست و انسان را از فحشا و منکرات باز می‌دارد. دوستی که نماز را با شرایط و آداب آن می‌خواند، رغبتی برای غیبت، تهمت و دروغ ندارد؛ چون می‌داند که نمازش به شرط رعایت تقوا، مورد قبول خداوند قرار می‌گیرد؛ و انسانی که غافل از خدای خویش نیست و هدفی جز رضای او ندارد، به هیچ وجه، عملی انجام نمی‌دهد که موجب ناخشنودی پروردگار باشد.

خداوند به ما اجازه نداده با کسانی که نسبت به دستورات دینی – به خصوص نماز – بی‌اهمیت هستند، دوست باشیم. قرآن می‌فرماید:

«ای اهل ایمان! با آن گروه از اهل کتاب و کافران که دین شما را به بازیچه گرفتند، دوستی نکنید». همچنین در ادامه می‌فرماید:

(وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوءًا وَلَعِبًا، ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ)^۲

«زمانی که شما ندای نماز بلند می‌کنید، آن را به مسخره و بازی می‌گیرند؛ زیرا آن قوم، مردمی نادان و بی‌خردند».

در این آیات، بعد از آن که می‌فرماید: آنان دین شما را به مسخره گرفته‌اند»، توضیح می‌دهد که بازی گرفتن دین، همان کوچک شمردن نماز و استهزای آن است.^۳

^۱ عنکبوت آیه ۴۵.

^۲ (مائده آیه ۵۷ و ۵۸).

^۳ همای سعادت، علیرضا مستشاری، انشارات معارف، چاپ اول، قم: ۱۳۸۸، صفحه ۴۴.

یکی از صفاتی که در خطبه غدیر نیز درباره امام علی (ع) آمده است این است که نماز به پا میدارند، در بخش دوم خطبه پیامبر میفرمایند:

عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ الَّذِي أَقَامَ الصَّلَاةَ، هَرَّ آيْنَهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ نَمَازَ بَه پَا دَاشْتَه وَ... .

حضرت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب (ع) اولین نمونه ی کاملی است از تعلیم و تربیت پیغمبر اکرم (ص). این امام بزرگوار از همه جهات یک نمونه کامل بودند که یکی از مهمترین آن ها نماز بود به گونه ای که در هنگام نماز تیری را از پای ایشان بیرون میکشند بدون آنکه حضرت حتی لحظه ای به آن تیر توجه کنند زیرا تمام حواس ایشان سرگرم آن معبود یگانه و بی همتا بود. (قلم اینجانب)

شهید مطری نیز در کتاب انسان کامل میگوید :

وقتی شب می شود و خلوت شب فرا می رسد، هیچ عارفی به پای او نمی رسد .

آن روح عبادت که جذب شدن و کشیده شدن به سوی حق و پرواز به سوی خداست، با شدت در او رخ می دهد، مثل آن حالتی که انسان در مطلبی داغ می شود؛ مثلاً وقتی در حالت جنگ و دعوا و ستیز است، چاقو قسمتی از بدنش را می بُرد و یک تکه گوشت از بدنش به طرفی انداخته می شود ولی آنچنان توجهش متمرکز مبارزه است که احساس نمی کند یک قطعه گوشت از بدنش جدا شده است. علی در حال عبادت چنان گرم می شود و آن عشق الهی چنان در وجودش شعله می کشد که اصلاً گویی در این عالم نیست.^۴

^۴ انسان کامل، استاد مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، چاپ سی و هشتم، تهران ۱۳۸۵، صفحه ۴۶.

فضیلت دوم : در حال رکوع زکات (انفاق) می پردازند.

خداوند در قرآن کریم میفرماید:

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»

«ولیّ شما تنها خدا و رسول او و کسانی که ایمان آورده‌اند؛ همان کسانی که نماز را بر پا می‌دارند و در حال رکوع نماز زکات می‌پردازند، می‌باشند.»^۵

یکی دیگر از صفات بارز امام علی (ع) پرداخت زکات می باشد که پیامبر نیز در خطبه غدیر به این صفت امام اشاره کرده است ، در بخش دوم خطبه پیامبر میفرماید : وَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ الَّذِي أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ؛ علی بن ابی طالب نماز به پا داشته و در رکوع زکات پرداخته و... .

در بخش اول سخن پیامبر به نماز امام اشاره میکند که درباره آن صحبت شد و در بخش دوم از زکات و بخشش امام صحبت به میان می آورد .

این آیه شأن نزول خاصی دارد که به امام علی (ع) بر میگردد داستان از این قرار است که امیر المؤمنین در حال نماز بودند سائلی به پیش امام میرود و از ایشان درخواست کمک میکند این بزرگوار در حال رکوع بودند که انگشتر خود را در آورده و به سائل اهدا میکنند . (قلم اینجانب)

پیامبر اکرم (صلی ... علیه و آله و سلم) که نظاره گر این صحنه بود، گفت خداوندا! هم چنان که برای موسی، وزیر و یآوری برگزیدی، برای من وزیری و یآوری انتخاب کن، تا پشتیبانم باشد. که بی درنگ، این آیه بر پیامبر اکرم (صلی ... علیه و آله و سلم) نازل گشت:

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ.

فقط ولیّ و سرپرست شما، خدا و رسول و کسانی می باشند که ایمان به خدا آورده و در رکوع صدقه (انگشتری) می دهند .

مورخان، این فضیلت را در ۲۱ ذی حجه نوشته اند.^۶

^۵ مانده، آیه ۵۵.

^۶ ویژه نامه سال امام علی ، جلوه حق ، گرد آوری شعبان نازده کام ، نهاد نمایندگی مقام رهبری دانشگاه علوم کشاورزی کرگان ، صفحه ۱۷.

اول آنکه :

منظور از زکات در این آیه اتفاق است . در صدر اسلام " زکات " در معنای لغوی (انفاق مال) به کار می‌رفته، نه در خصوص زکات واجب ؛ برخی گفته‌اند صدقه دادن انگشتر، زکات نیست. جواب این حرف هم اینست که اگر می‌بینید امروز وقتی زکات گفته می‌شود ذهن منصرف به زکات واجب شده و صدقه به ذهن نمی‌آید، نه از این جهت است که بر حسب لغت عرب صدقه زکات نباشد بلکه از این جهت است که در مدت هزار و چند سال گذشته از عمر اسلام، متشرعه و مسلمین زکات را در واجب بکار برده‌اند، و گرنه در صدر اسلام زکات به همان معنای لغوی خود بوده. و معنای لغوی زکات اعم است از معنای مصطلح آن، و صدقه را هم شامل می‌شود. در حقیقت زکات در لغت مخصوصاً اگر در مقابل نماز قرار گیرد، به معنای انفاق مال در راه خدا و مرادف آنست.^۷

دوم آنکه:

در فضیلت اول بیان شد امام علی (ع) چنان سرگرم راز و نیاز ببا معبود خویش بودند که وقتی تیر از پای مبارک ایشان بیرون کشیده شد چیزی حس نکردند پس چگونه ممکن است به سائلی که تقاضای کمک کرد توجه کنند و انگشتر خود را به او بدهند ؟ (نوشته اینجانب)

خلاصه جواب این است که :

اولاً: نماز و عبادت علی علیه السلام و هم اتفاق و تصدق او برای خدا بود. چه مانعی دارد که علی علیه السلام غرق نماز باشد و صدای سائل به گوشش برسد و برای رضای خدا، در وسط نماز اتفاق کند. علاوه بر آن، خداوند مقدر کرده بود که چنین اتفاقی رخ دهد، تا آیه ولایت نازل شود و جانشینی حضرت علی علیه السلام به خلافت، به گوش همه مردم برسد.

ثانیاً: حالات عرفانی معصومین علیهم السلام با هم فرق می‌کند. آن‌ها در نماز همیشه یک سان نبوده‌اند. گاهی معصومین علیهم السلام چنان غرق در عبادت بودند که اصلاً توجهی به این عالم نداشتند، همانند برخی حالات امیرمؤمنان علیه السلام و امام سجاد علیه السلام و گاهی هم با حفظ حضور قلب، به عالم ماده نیز توجه داشته‌اند. روزی پیامبر صلی الله علیه و آله نماز جماعت را زودتر از سایر روزها به پایان رساند. برخی علت این کار را جویا شدند. آن حضرت فرمود: آیا گریه کودک را نشنیدید؟ من نماز را زودتر از روزهای دیگر به پایان رساندم تا (مادر) بچه اش را ساکت کند.^۸

^۷ ترجمه تفسیر المیزان ، محمد حسین طباطبایی ، انتشارات اسلامی ، قم : ۱۳۶۰ ، جلد ۶ ، صفحه ۱۱.

^۸ مجله فرهنگ کوثر ، نوشته محمد جواد طبسی ، شماره ۴۸ ، سال ۱۳۷۹ ، صفحه ۴۹.

فضیلت سوم : خدا خواه بودن .

از نگاه قرآن کریم عبادت و بندگی خداوند هدف اصلی آفرینش انسان است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ».^۹

بنابراین انسانی که می‌خواهد در راستای فلسفه وجودی خود حرکت کند، باید همه اوقات خود به عبادت خدا مشغول باشد. البته بندگی و عبادت لزوماً به معنای عبادت‌های مرسوم و شناخته‌شده فقهی نیست. انسان حتی می‌تواند خوردن و خوابیدن و تفریحات خود را عبادت الهی بداند. مشروط به آنکه به انگیزه الهی و در راستای وصول به مقام قرب انجام گیرند. در عین حال، انجام عبادت‌های ویژه، مثل نمازهای مستحبی، خواندن اذکار و دعاها و ویژه، روزه گرفتن مستحبی، تمرکز و توجه بیشتر به آیات قرآنی و امثال آن، می‌تواند یکی از شایسته‌ترین کارها در اوقات فراغت باشد.

امام علی (علیه‌السلام) در دعایی از خدای متعال چنین می‌خواهد:

اللهم فَرِّغْنِي لِمَا خَلَقْتَنِي لَهُ؛

خداوندا! برای دستیابی به آنچه که مرا برایش آفریده‌ای فراغت به من عطا کن.^{۱۰}

انسان خدا خواه و خداجو، دچار مشکلات و گرفتاری‌های روحی نمی‌شود؛ چون با یاد خدا، همواره به منبع بی‌پایان عشق و رحمت و عطوفت متصل است. از سوی دیگر، با اعطا و بخشش در راه خدا و تقوا در زندگی، مشکلات بر او آسان می‌شود. این آسانی دو جنبه دارد: یکی این که چنین انسانی از قدرت روحی بالایی برخوردار می‌شود و میزان استقامتش بالا می‌رود. پس مشکلات بزرگ در دیدگان او کوچک جلوه می‌کند. دیگر این که قانون الهی چنین است که برخی اعمال عبادی در همین دنیا پاداش داده می‌شوند و پاداش آن‌ها افزون بر پاداش اخروی، این است که مشکلات زندگی را بر مؤمنان مرتفع می‌سازد.^{۱۱}

یکی از نمونه‌های کامل انسان خدا خواه در طول تاریخ امیر المؤمنین می‌باشد؛ که پیامبر نیز در خطبه غدیر به این صفت امام اشاره کرده است و می‌فرماید: «وَعَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ الَّذِي أَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَهُوَ رَاكِعٌ يُرِيدُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي كُلِّ حَالٍ».

^۹ زاریات، آیه ۵۶.

^{۱۰} همیشه بهار، احمد حسین شریفی، انتشارات معارف، قم: ۱۳۹۱، چاپ اول، صفحه ۸۸.

^{۱۱} مجله بشارت، خرداد و تیر ۱۳۸۲، شماره ۳۶، صفحه ۶. (گرفته شده از <http://www.hawzah.net>)

هر آینه علی بن ابی طالب نماز به پا داشته و در رکوع زکات پرداخته و پیوسته خداخواه است.

و نکته مهم آنکه خدا خواه بودن امام مقطعی نیست که گاهی باشد و گاهی نباشد بلکه استمرار داشته و همیشه در جریان است و در تمام افعال و حرکات امام مشاهده میشود و حتی لحظه ای خدا از ذهن و قلب او خارج نمیشود به عبارت دیگر میتوان با نگاه کردن به جمال این امام بزرگوار و حتی دیدن افعال و خواندن سخنان ایشان پی به حضور خدا برد و نزدیکی این یگانه بی همتا را به خوبی حس کرد. (قلم اینجانب)

فضیلت چهارم : پیشوای روشنگر.

فضیلت چهارم امام که پیامبر در خطبه غدیر از آن سخن به میان می آورد پیشوای روشنگر است که این سخن را دوبار در خطبه بیان کرده است ؛

یکبار در بخش سوم آنجا که میفرماید : وَهُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ ؛ او (علی) پیشوای روشنگر است . و بار دیگر در بخش هفتم که باز می فرماید : أَلَا وَإِنِّي (أَنَا) النَّذِيرُ وَ عَلِيُّ الْبَشِيرُ . هان! که من بیم دهنده ام و علی راهنما.

در بخش اول بعد از اینکه امام را پیشوای روشنگر خطاب میکنند میفرماید : الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي سُورَةِ يَسْ؛ که خداوند او را در سوره یاسین یاد کرده .

خداوند در سوره یس می فرماید :

وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ ؛ و دانش هر چیز را در امام روشنگر برشمرده ایم .^{۱۲} (قلم اینجانب)

در مورد تفسیر امام مبین نظریات گوناگونی وجود دارد در تفسیر جوامع آمده است : مقصود از «إِمَامٍ مُبِينٍ» لوح محفوظ است . و برخی گویند که مقصود صحیفه های اعمال است و چون اثر آن مندرس و کهنه نمی شود «مبین» نامیده شده است.^{۱۳}

و در روایات زیادی آمده است که مراد از «امام مبین» علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام و یازده فرزند معصوم آن دو بزرگوار می باشند که علوم همه اشیا پیش آنان است .

امام محمد باقر (ع) از پدر بزرگوارش از جد عالیمقامش نقل می کند: هنگامیکه آیه (وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ) بر پیامبر اسلام (ص) نازل شد ابو بکر و عمر برخواستند و گفتند: یا رسول الله! آیا منظور از (امام مبین) تورات است؟ فرمود: نه. گفتند: آیا انجیل می باشد؟ فرمود: نه. گفتند: آیا قرآن است؟ فرمود: نه. در این هنگام بود که علی بن ابی طالب (ع) وارد شد، و پیامبر خدا فرمود: (امام مبین) این مرد است. این است که خدای تبارک و تعالی علم و اطلاع هر چیزی را در وجودش شماره کرده و قرار داده است .^{۱۴}

که به وسیله آن علم افراد را به راه حق هدایت میکند .

¹² یس ، آیه ۱۲.

¹³ ترجمه تفسیر جوامع الجامع ، نوشته جمعی از مترجمان ، انتشارات پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی ، مشهد : ۱۳۷۷ ، جلد ۵ ،

صفحه ۲۳۸.

¹⁴ تفسیر آسان ، محمد جواد نجفی ، انتشارات اسلامی ، تهران : ۱۳۹۸ ، چاپ اول ، جلد ۱۶ ، صفحه ۲۴۶.

فضیلت پنجم: اطاعت و فرمانبرداری.

یکی دیگر از صفات امیر المؤمنین (ع) فرمانبرداری می باشد. این فرمانبرداری امام هم در سطح عالی یعنی در رابطه با خدا و هم در سطح پایین تر در رابطه با فرستادگان خدا مشاهده میشود.

در رابطه با خدا این فرمانبرداری را میتوان از تمام حالات امام مشاهده کرد سخنان، افعال و....

پیامبر در خطبه غدیر میفرماید: وَالْمُؤَالَى عَلَى طَاعَتِهِ وَالنَّاهَى عَنْ مَعْصِيَتِهِ؛ او پشتیبان فرمانبرداری خداوند و بازدارنده از نافرمانی او باشد.

یعنی امام نه تنها خود فرمانبردار است بلکه حتی کسانی را که از خدا و فرستادگانش پیروی میکنند پشتیبانی میکند. (قلم اینجانب)

روح عبادت و بندگی چیزی جز این نیست که انسان خود را به مملوکیّت خدا در آورد و در تمام اعمال اختیاری، از خواست و رضای مولای خویش تبعیت کند.^{۱۵}

کسی که عبودیت و بندگی خدا را برگزیده است، در تمام مراحل زندگی و حتی در جزئیات اعمال و رفتار نیز بر طبق رضای خدا و مطابق خواست او عمل میکند، یعنی کلیه ی اعمالی را که انجام آن ها موجب رضای حق است به جا می آورد (واجبات) و از انجام کلیه اعمالی که موجب خوشنودی اوست، پرهیز میکند (محرمات) و بدین ترتیب، ملاک فعل یا ترک آن، خواست رضای خداست.^{۱۶}

علاوه بر اینکه امام فرمانبردار خداوند بودن فرمان فرستادگان خدا را نیز اطاعت میکردند که در رابطه با پیامبر این مسئله کاملاً روشن و مشخص است؛ پیامبر در جای دیگر خطبه غدیر بخش سوم می فرماید: (أَوَّلُ النَّاسِ صَلَاةً وَأَوَّلُ مَنْ عَبَدَ اللَّهَ مَعِيَ. أَمْرُهُ عَنِ اللَّهِ أَنْ يَنَامَ فِي مَضْجَعِي، فَفَعَلَ فَادِيًا لِي بِنَفْسِهِ)؛ اولین نمازگزار و پرستشگر خدا به همراه من است. از سوی خداوند به او فرمان دادم تا [در شب هجرت] در بستر من بیارامد و او نیز فرمان برده، پذیرفت که جان خود را فدای من کند.

پیامبر (ص) در لیلۃ المبیت، حضرت علی (ع) را در بستر خود خوابانید تا قریش را در محاصره خانه مشغول دارد و بتواند به آرامی شهر را ترک کند.

¹⁵ اخلاق اسلامی، محمد علی سادات، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین علوم انسانی دانشگاهها، چاپ اول، قم: ۱۳۷۳، صفحه ۳۹.

¹⁶ همان صفحه ۴۰.

خداوند در سوره بقره می فرماید : وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ؛

بعضی از مردم (با ایمان و فداکار، همچون علی ع در " لیلۃ المبیت " به هنگام خفتن در جایگاه پیغمبر ص)، جان خود را به خاطر خشنودی خدا می فروشند، و خداوند نسبت به بندگان مهربان است.^{۱۷}

بر حسب روایات بسیاری چه از طریق عامه و چه از طریق خاصه آیه فوق در باره علی بن ابی طالب علیه السلام نازل شده، زیرا هنگامیکه کفار قریش بخانه رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) هجوم آورده بودند و بسرپرستی ابو لهب قصد جان او را داشتند تنها علی بن ابی طالب علیه السلام بود که حاضر شد در بستر پیامبر بزرگ اسلام بخوابد و او را از شر کفار قریش رهایی بخشید، این بود که در تاریکی شب رسول خدا صلی الله علیه و آله مکه معظمه را ترک گرفت و بسوی مدینه رهسپار شد و این شب بنام «لیلۃ المبیت» مشهور شده است.

«وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ» جمله بیان آنستکه از مظاهر رأفت و مهر پروردگار وجود چنین بندگان رشید و فداکاریست که جزء مفاخر دین بوده و برای جلوگیری از هر گونه خطری که متوجه اسلام باشد از جان و دل فداکاری می کنند.^{۱۸}

و یک نکته مهمی که میتوان از این آیه برداشت کرد این است که علاوه بر اینکه امام فرمانبردار بودن؛ فداکار و شجاع نیز بودند که از این عمل امام کاملاً نمایان است.

¹⁷ بقره، آیه ۲۰۷.

¹⁸ انوار درخشان، محمد حسین همدانی، انتشارات لطفی، تهران: ۱۴۰۴ق، چاپ اول، جلد ۲، صفحه ۱۶۸.

فضیلت ششم: محبوب خدا.

پیامبر در بخش سوم خطبه غدیر میفرماید: مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ جَنَّبَ اللَّهُ الَّذِي ذَكَرَ فِي كِتَابِهِ الْعَزِيزِ، فَقَالَ تَعَالَى (مُخْبِرًا عَمَّنْ يُخَالِفُهُ): (أَنْ تَقُولَ نَفْسِي يَا حَسْرَتًا عَلَى مَا فَرَطْتُ فِي جَنَبِ اللَّهِ)؛ هان مردمان! همانا او هم جوار و همسایه خداوند است که در نبشته ی عزیز خود او را یاد کرده و درباره ستیزندگان با او فرموده: تا آنکه مبدا کسی در روز رستخیز بگوید: افسوس که درباره همجوار و همسایه ی خدا کوتاهی کردم...

یکی از مهمترین عواملی که باعث میشود انسان عزیز و محبوب خدا شود تقوا است.

نیروی تقوا مایه کمال و بالندگی، شرط قبولی اعمال صالح و توشه راه ابدی ماست. هر چه این نیرو قوی تر و نابتر باشد کمال بخشی و توشه آوری اش، بیش تر است. تقوا به انسان فرقان، یعنی نیروی تشخیص حق از باطل می دهد، انسان باتقوا از بن بست و انحراف در فتنه ها نجات می یابد، کار او آسان می شود، محبوب خدا می گردد، به قرب خدا نایل می شود، به پاداش بزرگ دست می یابد، از رزق های غیبی بهره مند می گردد، خداوند همواره با اهل تقواست و از گناهان آنان در می گذرد، گرامی ترین انسان ها نزد خداوند، باتقواترین آنهاست.^{۱۹}

امام علی (ع) نیز نمونه بارز و کامل تقوا می باشد پس حتما محبوب خداوند است زیرا نشانه هایی وجود دارد که نشان دهنده این است که خداوند به بنده خود محبت دارد و او را عزیز خود قرار داده است آن نشانه ها عبارتند از:

توفیق دوست داشتن خداوند، ۲. توفیق طاعت یافتن، ۳. مخفی کردن معایب انسان، ۴. محبوب ساختن امانتداری، ۵. الهام صدق و راستی، ۶. خطور دادن علم و دانش، ۷. مزین ساختن به حلم و آرامش، ۸. مبعوض ساختن دنیا در قلب آدمی، ۹. عطا کردن به قدر نیاز، ۱۰. نیک گردانیدن اخلاق او و اعطای قلب سلیم ۲؛ که ما همه این نشانه ها را در وجود آن امام نازنین مشاهده میکنیم.^{۲۰}

و نکته مهم آنکه: انسان از طریق عبادت و بندگی خدا محبوب خدا می شود و محبوب خدا به مقام ولایت الهی بار خواهد یافت. قرآن کریم در آیه ای که سجده واجب دارد، خطاب به پیامبر الله فرمود: كَلَّا لَا تَطْعَهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ ای پیامبر! زنهار فرمانش مبر و سجده کن و خود را به خدا نزدیک گردان.^{۲۱}

گرچه در این آیه از سجده سخن رفته است، ولی منظور از سجده همان نماز و عبادت است، و عبادت معنای وسیعی دارد که شامل امتثال همه دستورات الهی می گردد و در واقع راه نیل به ولایت الهی، امتثال همه جانبه دستورات الهی است.^{۲۲}

^{۱۹} به سمت خدا، فتح الله نجارزادگان، انتشارات نشر معارف، چاپ اول، قم: ۱۳۹۱، صفحه ۲۶۶.

^{۲۰} پرسشها و پاسخهای دانشجویی، گروهی از مولفان، دفتر نشر معارف، قم: بی جا، جلد ۱۱، صفحه ۱۸۸.

^{۲۱} علق، آیه ۹۱.

فضیلت هفتم : محبوب پیامبر .

در فضیلت پنجم گفته شد که امیر المؤمنین عزیز و محبوب خداوند است و کسی که عزیز خدا باشد بدون هیچ شکی عزیز پیامبر خدا نیز هست چنانکه پیامبر خود نیز در خطبه غدیر این امر را بیان کردند در بخش پنجم خطبه میفرمایند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ، هَذَا عَلِيٌّ، أَنْصَرُكُمْ لِي وَأَحَقُّكُمْ بِي وَأَقْرَبُكُمْ إِلَيَّ وَأَعَزُّكُمْ عَلَيَّ؛ هَانِ مَرْدَمَانِ! إِنَّ عَلِيَّ يَأْوُرْتَرِينَ، سَزَاوَرْتَرِينَ وَنَزْدِيكَ تَرِينَ وَعَزِيزْتَرِينَ شَمَا نَسَبْتَ بِهِ مِنْ أَسْتِ.

هر کس جامع کمالات باشد محبوب دلها نیز هست، پیامبر اکرم(ص) که خود محبوب عالمیان و خوبان و پاکان است، عاشق شیدای علی است، چرا که به تصریح آیه مباهله، علی جان پیامبر است «انفسنا» و جان هر کس شیرین و دوست داشتنی است به همین جهت بارها پیامبر اکرم(ص) می فرمود: «مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ أَحَبَّنِي...»؛ هر کس علی را دوست بدارد به من محبت ورزیده است.» و فرمود: «مَحَبَّتِكَ مَحَبَّتِي وَ مَبْغُضُكَ مَبْغُضِي؛ دوستدار تو دوست من است، و دشمن تو دشمن من.

شخصی از پیامبر اکرم(ص) پرسید: یا رسول الله اَنْتَ تَحِبُّ عَلِيًّا؟ قَالَ: اَوْ مَا عَلِمْتَ اَنْ عَلِيًّا مَنِّي وَ اَنَا مِنْهُ؛ ای رسول خدا علی(ع) را دوست می داری؟ فرمود: مگر نمی دانی که علی از من و من از اویم. آیا کسی جان شیرین و پاره تنش را دوست نمی دارد؟^{۲۳} همچنین در بخش دیگر خطبه غدیر پیامبر میفرماید: عَلِيٌّ بَنُ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَ وَصِيٌّ وَ خَلِيفَتِي (عَلِيٌّ أُمَّتِي) وَ الْإِمَامُ مِنْ بَعْدِي؛ علی بن ابی طالب برادر، وصی و جانشین من در میان امت و امام پس از من بوده. پیامبر امام علی (ع) را به عنوان برادر خود معرفی میکنند.

به هنگام نزول آیه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»^{۲۴} پیامبر، جمعی از مهاجرین و انصار را بنابر منزلتی که داشتند، با یکدیگر برادر قرار داد. و در پایان، تنها حضرت علی (علیه السلام) را به برادری خود برگزید و دست او را به نشانه این افتخار، بلند نمود و دو بار فرمود: هَذَا أَخِي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ؛ این (علی) برادر من است در دنیا و آخرت .

بدیهی است این برادری، که امیرالمؤمنین (علیه السلام) بارها در مواضع گوناگون، از آن به عنوان برتری خویش استدلال می کرد، تنها، هم پیمانی با پیامبر نموده، بلکه همان گونه که یکی از علمای بزرگ اهل سنت در کتاب «العمدة» می گوید، این امتیاز بزرگ را پیامبر (صلی... علیه و آله و سلم (به علی (علیه السلام) اختصاص داد، زیرا فقط او را نظیر خود در اصل (نسب - عصمت (آیه تطهیر) - ولایت (آیه ولایت) - اداء تبلیغ (سوره براءت) - مولای امت (حدیث غدیر) - مماثلت نفسی (آیه مباهله) و فتح باب مسجد و دیگر صفات و فضائل، غیر از نبوت، می دانست^{۲۵}.

²² ولایت در قرآن، عبدالله جوادی آملی، ص ۸۴.

²³ نشریه پاسدار اسلام، سید جواد حسینی، قم، شماره ۲۹۸، ص ۱۶. (<http://www.hawzah.net>) قسمت مجلات

²⁴ حجرات، آیه ۱۰.

²⁵ نامه سال امام علی، جلوه حق، گردآوری شعبان تازه کام، نهاد نمایندگی مقام رهبری دانشگاه علوم کشاورزی گرگان، صفحه ۱۸.

فضیلت هشتم : نزول سوره هل اتی .

خداوند در قرآن، اهل بیت (علیهم السلام) را که در راس آن امام علی می باشد؛ با بهترین اوصاف و فضائل یاد کرده و آیات بسیاری در شأن و منزلت آنان نازل کرده است.

سوره دهر (هل اتی)، عمل بسیار خالصانه و ایثارگرانه عده ای از امت اسلامی را به نمایش می گذارد که به اعتراف اکثر روایات فریقین مرتبط با اهل بیت (علیهم السلام) می باشد و از این باب آنان سبب نزول سوره بوده اند. درواقع بهترین روش فهم و تبیین فضائل اهل بیت (علیهم السلام)، قرآن کریم است. زیرا این روش، امتیاز مهمی دارد و آن اینکه مجال هیچ انکاری را برای شخص مسلمان باقی نمی گذارد، چرا که انکار فضائل در این صورت انکار قرآن و کفر به آن محسوب خواهد شد و لذاگریزی از پذیرش آن نخواهد بود.

این روش نه تنها برای اثبات حقانیت اهل بیت (علیهم السلام) و فضائل ایشان برای دیگر فرقه های مسلمان مفید بوده و راه گریزی برای آنها باقی نمیگذارد، برای دوستان اهل بیت (علیهم السلام) نیز بهترین و مطمئن ترین شیوه است که بر اساس آن، جای شکی برای ایشان نمی ماند.

پیامبر نیز در خطبه غدیر می فرمایند: **وَلَا شَهِدَ اللَّهُ بِالْجَنَّةِ فِي (هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ) إِلَّا لَهُ، وَلَا أُنْزِلَهَا فِي سِوَاهُ وَلَا مَدَحَ بِهَا غَيْرَهُ؛** و خداوند در سوره ی «هل أتى على الإنسان» گواهی بر بهشت [رفتن] نداده مگر برای او (امام علی(ع))، و آن را در حق غیر او نازل نکرده و به آن جز او را نستوده است.

از آن جایی که این سوره صفات گوناگون این بزرگوارو اهل بیت ایشان را بیانگر میشود در اینجا قابل گنجاندن نیست به همین دلیل فایل pdf پایان نامه ای که در مورد صفات اهل بیت (ع) در قرآن است (که پایان نامه اینجانب است) برای دانلود در زیر قرار داده شده است.

ولی به طور کلی این سوره بیانگر صفاتی مثل اخلاص، ترس از قیامت، خوف از خدا، رسیدگی به نیازمندان، وفای به عهد و پیمان را بیان میکند که در این پایان نامه به صورت کامل مورد بررسی قرار داده شده است.

(دانلود پایان نامه در وبلاگ جملات ناب <http://jomalatnab.kowsarblog.ir>)

فضلیت نهج : شکیبایی و سپاسگزاری.

از فضائل دیگر امام علی (ع) شکیبایی و سپاسگزاری است پیامبر در خطبه غدیر میفرماید: **أَلَا إِنَّ عَلِيًّا هُوَ الْمُصَوِّفُ بِالصَّبْرِ وَالشُّكْرِ، ثُمَّ مَنْ بَعْدَهُ وَلَدَى مَنْ صَلَّيْهِ؛** بدانید که علی و پس از او فرزندان من از نسل او، داری کمال شکیبایی و سپاسگزاری اند. در واقع این سخن دو صفت را برای امام بیان میکند یکی شکیبایی و دیگری سپاسگزاری.

قرآن کریم پیامبر و مسلمانان را دل داری می دهد و امر به شکیبایی و صبر می کند و می گوید: این ظواهر فریبنده، مانند شکوفه هایی هستند که زود می شکند و پژمرده می گردند و بر روی زمین می ریزند و چند صباحی بیشتر پایدار نمی مانند. در واقع، آیات قرآن، در مقام بیان بی ارزشی متاع دنیا نسبت به آخرت است و بیان این که آن چه خداوند به پیامبر و مسلمانان داده، بهتر و پایدارتر است که عبارتند از: ایمان، اسلام، قرآن و آیات الهی و روزی های حلال و پاکیزه و نعمت های جاودان آخرت.^{۲۶}

امام صادق علیه السلام می فرماید: «من دین الائمه الورع والعفة والصلاح وانتظار الفرج بالصبر»؛ «از آیین امامان است: تقوا، عفت، صالح بودن و انتظار فرج با صبر و شکیبایی».^{۲۷}

امام نیز در کمال صبر و شکیبایی بودند این را میتوان از سخن خود ایشان در نهج البلاغه قسمتی که ابوبکر به عنوان خلیفه انتخاب شد مشاهده کرد امام فرمودند: **وَاعْضَيْتُ عَلَى الْقَدَى وَشَرَبْتُ عَلَى الشَّجَى وَصَبَرْتُ عَلَى اخْذِ الْكُظْمِ وَعَلَى أَمْرٍ مِنْ طَعْمِ الْعَلَقَمِ؛** (نهج البلاغه، خطبه ۲۶) خار در چشم بود و چشمها را بر هم نهادم، استخوان در گلویم گیر کرده بود و نوشیدم، گلویم فشرده می شد و تلختر از حنظل در کام ریخته بود و صبر کردم.

صفت دیگر که پیامبر به امام نسبت دادند سپاسگزاری است؛ که در تمام افعال و حرکات امام مشخص است و همچنین در روایات و حدیث های زیادی امر به سپاسگزاری میکنند.

امام خمینی فرمودند: تواضع، صفا، ایثار، بخشنده گی و امثال این صفات، هم زیبایند، هم در هر که باشد، زیباست. این همان زیبایی عقلی و جمال معنوی است. اتفاقاً در سخنان پیشوایان ما به این نکته تصریح شده است. حضرت علی علیه السلام پاکدامنی را زینت فقر و سپاسگزاری را زینت ثروتمندی می داند.^{۲۸}

²⁶ پرسشها و پاسخهای دانشجویی، گروهی از مولفان، دفتر نشر معارف، قم: بی جا، جلد ۳۷، صفحه ۱۹۰.

²⁷ همان، جلد ۲۷، صفحه ۲۶۰.

²⁸ گفتیم گفت، جواد محدثی، دفتر نشر معارف، قم: ۱۳۸۸، چاپ اول، صفحه ۳۳.

فضلیت دهم : راه مستقیم .

راه مستقیم راهی است که انسان را مستقیماً به سوی هدف میرساند بدون هیچ راه فرعی مانند یک تابلو که جهت ها را نشان میدهد و باعث میشود که به بیراهه نرویم . (قلم اینجانب) پیامبر در خطبه غدیر میفرماید :

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمُ الَّذِي أَمَرَكُمْ بِاتِّبَاعِهِ، ثُمَّ عَلِيَ مِنْ بَعْدِي. ثُمَّ وَلَدَى مِنْ صُلْبِهِ أُمَمَةٌ (الْهُدَى)، يَهْدُونَ إِلَى الْحَقِّ وَبِهِ يَغْدِلُونَ؛^{۲۹} هان مردمان! صراط مستقیم خداوند منم که شما را به پیروی آن امر فرموده. و پس از من علی است و آن گاه فرزندانم از نسل او، پیشوایان راه راستند که به درستی و راستی راهنمایند و به آن حکم و دعوت کنند.

نبی گرامی اسلام خود را راه مستقیم معرفی میکند و بعد میفرماید پس از علی (ع) صراط مستقیم است .

این تعبیر را نیز خداوند در قرآن بیان فرموده است : اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ؛ اما را به راه راست هدایت فرما .

از دیدگاه آیات، انسان ها هم اکنون در صراط خود به سوی اهداف خویش در حرکت اند؛ بر روی صراط خود می لغزند و با افت و خیزها به حرکت خود ادامه می دهند. این حقیقت و باطن، به دلیل حجابها از ما پوشیده است؛ ولی اگر کسی بصیرت یابد و با طی منازل و تحمل رنجها و ریاضتها، قیامت برای او قیام کند، هم اکنون شاهد آن خواهد بود.^{۳۰}

امام صادق (ع) فرمودند : صراط در دنیا شناخت اهل بیت است و کسی که اهل بیت را شناخت و با آنها رابطه برقرار کرد، در روز قیامت از روی جاده ای که پلی است به روی جهنم، بدون هیچ مشکلی عبور می کند.

حضرت می فرماید جلوه دنیایی صراط، امام مفترض الطاعه است. در روایات دیگر هم حضرت قسم یاد می کنند که والله این صراطی که در قرآن مطرح است اهل بیت هستند و جز طریق این بزرگواران راهی برای شناخت خدا وجود ندارد. اهل بیت وقتی انسان را با خدا آشنا می کنند در حقیقت خواسته های حضرت حق را به مردم منتقل می نمایند. در این سیر هم، تمام همت و تلاششان را به کار بستند تا از انسان، موجودی والا بسازند. لذا حضرت علی (ع) فرمود: اگر پای ساختن شما در کار نبود، خدا ما را از آن حالت نوری مان که در زیر عرش الهی بودیم به زمین نمی آورد. ما تناسب با زمین نداریم.^{۳۱}

²⁹ حمد، آیه ۶.

³⁰ پرسشها و پاسخهای دانشجویی، گروهی از مولفان، دفتر نشر معارف، قم: بی جا، جلد ۲، صفحه ۱۷۱.

³¹ معیاد نور (راهنمای عمره مفرده)، محسن شریعت، دفتر نشر معارف، قم: ۱۳۸۴، چاپ اول، صفحه ۷۰.

فضلیت یازدهم : امیر المؤمنین .

پیامبر در خطبه غدیر می فرمایند که امام علی (ع) را با لقب امیر المؤمنین بخوانیم : مَعَاشِرَ النَّاسِ، قُولُوا الَّذِي قُلْتُ لَكُمْ وَسَلِّمُوا عَلَى عَلِيٍّ يَا مَرْءَ الْمُؤْمِنِينَ ؛ هان مردمان! آن چه بر شما برگفتم بگوئید و به علی با لقب امیر المؤمنین سلام کنید.

امیر در زبان عربی به معنی فرمانده، سلطان و رهبر است. بعد از اسلام، کسانی را که از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و خلفا به فرماندهی ماموریت های جنگی منصوب می شدند امیر می نامیدند. اما عنوان «امیر المؤمنین» به معنی خلیفه و فرمانده کل قوای اسلام و پیشوای مومنان است. به اعتقاد علمای شیعه، «امیر المؤمنین» عنوانی است که خدای تعالی به علی بن ابی طالب داده و هیچ کس دیگر، چه قبل و چه بعد از او، برارنده این لقب نیست.

امیر المؤمنین، لقب اختصاصی امام علی علیه السلام روایات شیعه دلالت دارد بر اینکه لقب «امیر المؤمنین» مخصوص علی بن ابیطالب علیه السلام است و بر هیچ کس جز او اطلاق نمی شود. (مگر در حال ضرورت و تقیه.) این لقب حتی بر سایر ائمه و امام زمان علیه السلام نیز نباید اطلاق شود. خود رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این لقب را به امام علی داد و اولین کسانی که موظف شدند علی علیه السلام را با این لقب خطاب کنند، ابوبکر و عمر بودند.

خداوند علی را امیر المؤمنین نامیده است حضرت علی علیه السلام می فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در شب معراج که مرا به آسمان بردند در مقام قاب قوسین (به قدر دو کمان یا نزدیکتر) که قرار گرفتم، خداوند به من وحی فرستاد و آنگاه فرمود: ای محمد، علی بن ابی طالب را با عنوان امیر المؤمنین بخوان، من هیچکس را قبل از او به این نام ننامیدم و هیچکس را نیز بعد از او به آن نام نخواهم نامید.^{۳۲}

اهل بیت «راسخان در علم اند». راسخان در علم کسانی هستند که در مطلق علم ثابت و پابرجایند و در اثر رسیدن به حقیقت علم در همه امور، دچار شک نمی گردند و در هیچ موردی نظرشان دگرگون نمی شود. چنین افرادی جز پیامبر و اهل بیت معصوم کسی دیگر نیست. زیرا علمشان از وحی سرچشمه گرفته و با قلبشان حقیقت علم را دریافته اند.

خداوند در قرآن، اهل بیت (علیهم السلام) را با بهترین اوصاف و فضائل یاد کرده و آیات بسیاری در شأن و منزلت آنان نازل کرده است.

علاوه بر قرآن که سخن خداوند است پیامبر نیز در جاهای مختلف از این فضائل سخن گفته است که میتوان به خطبه غدیر اشاره کرد که مورد بررسی قرار دادیم و نکته مهم این است که هیچ کسی مانند امیرالمومنین (علیه السلام) فضیلت به دست نیاورد. لدین طبرانی و دیگران به روایت از طبرانی صاحب معجم های سه گانه از عمر بن خطاب نقل کرده اند که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و اله وسلم فرمودند:

ما اکتسب مکتسب مثل فضل علی یهدی صاحبه الی الهدی و یرده علی الردی؛

هیچ به دست آورنده ای همانند علی فضیلت به دست نیاورد، او همراهش را به راه راست هدایت کند و از گمراهی برگرداند.

ان شاء الله همه ما شیعه واقعی این امام بزرگوار باشیم و تلاش خویش را به کار ببریم تا حد اقل بتوانیم گوشه ای از این فضائل امام را در خود به وجود بیاوریم به امید آن روز.

او (علی) پشتیبان
 فرمانبرداری خداوند
 و بنزدارنده او
 تا فرمانی او باشد.

خطبه غدیر



مرد آن است که تا لحظه آخر مانده
 در شب خوف و خطر جاگ پیمبر مانده

سَلَامٌ عَلَى يَاسِرِ الْهَوْنِ

یا علی بالثب
 امیر المؤمنین سَلَامٌ کَثِیرٌ

خطبه غدیر



فقط حاکم امیر المؤمنین است

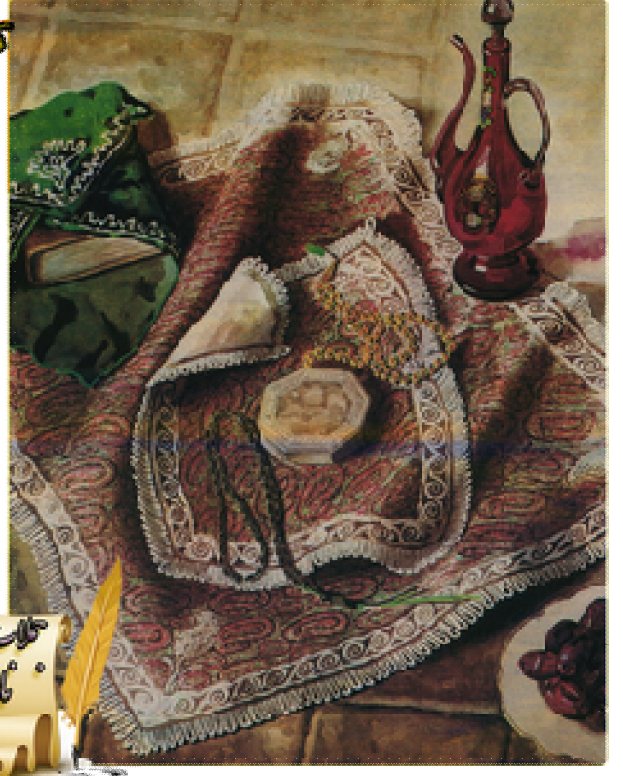


پروردگار عزوجل نے کل حال

(علی بن ابی طالب)

پیوستہ خدا خیر است

خطیب غدیر



علی بن ابی طالب
الذی اقم الصلاة و آتی الزکاة

علی بن ابی طالب

فانید یا دائشہ و حررکم

زکات پر دست

خطیب غدیر



بدانید که علی و پس از او
فرزندان من از نسل او،
داری کمال شکمبایی و
پاسکزاری اند خطبه غدیر





ملن مردان! این علی یاورترین، سزاوارترین و
 نزدیک ترین و عزیزترین شما نسبت بہ من است۔

خطبہ غدیر



خطبه غدیر

هان مردمان!

همانا او هم جوار و همسایه خداوند
است که در نبشته ی عزیز خود او را یاد کرده



و خداوند در سوره ی «هل أتى»

گواهی بر بهشت نداده

مگر برای او (امام علی (ع))،

و آن را در حق غیر او نازل نکرده

و به آن جز او را نستوده است.

خطبه غدیر



هُوَ الْإِمَامُ الْمَدِينُ

او (علی) پیشوای روشنگر است

خطبه غدیر

